

نیمرخ رفتاری والدین پسران پرخاشگر:
بررسی تحول و ثبات رفتار تربیتی در یک
مطالعه طولی ۶ ساله*

دکتر الهه حجازی

دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

دانشگاه تهران

به منظور شناسایی الگوهای تربیتی والدین پسران پرخاشگر و بررسی ثبات و تحول آنها در طول زمان، ۵۱ پسر پرخاشگر همراه والدین خود هر ۲ سال یکبار به مدت ۶ ماه مورد مطالعه قرار گرفتند. تعاملات والد-کودک در شرایط کنترل شده حل مسئله (آسان - دشوار) مورد مشاهده قرار گرفت. نتایج نشان داد که والدین (پدر-مادر) پسران پرخاشگر سخت‌گیر، پذیرنده و دارای کنترل کامل بر رفتار فرزند خود هستند. رفتار تربیتی والدین در طول زمان نسبتاً ثابت و قابل پیش بینی می‌باشد. نتایج تفاوت معناداری را بین رفتار تربیتی پدر و مادر نشان نداده است. تحلیل داده‌ها بیانگر رفتار مشابه پسران با پدر و مادر است. پسران دارای رفتار مستقل (خلاق و فعال) و روحیه همکاری و مشارکت هستند.

مطالعات در زمینه کودکان پرخاشگر دو هدف مجزا و به هم وابسته را دنبال می‌کند:

الف. شناسایی عواملی که رفتار پرخاشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ب. بررسی ثبات این نوع رفتار در طول زمان و در بافتهای^۱ مختلف

در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر رفتارهای پرخاشگری، نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که برخی ویژگی‌های کودک شامل خلق و خو، سطح فعالیت، عوامل

*این تحقیق در مرکز پژوهشی کودکان و نوجوانان دانشکده علوم تربیتی دانشگاه مونتreal به سرپرستی پروفیسور ترامبلی در سال ۱۹۹۴ انجام گرفته است. محقق در این سال به عنوان پژوهشگر مدعو در این مرکز فعالیت داشته و تحقیق فوق را اجرا کرده است.

ژنتیکی و تعدادی از متغیرهای محیط خانوادگی مشتمل بر رفتار ناهماهنگ والدین با کودک، کمبود مراقبت و کنترل، عدم توجه به کودک، نگرش منفی نسبت به کودک، تضاد خانوادگی و عدم هماهنگی در روابط بین والدین، نقش مهمی را در ایجاد این گونه رفتارها ایفا می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که در دو دهه اخیر بر تعداد پژوهش‌هایی که به شناسایی نحوه تعاملات والدین - کودک و بررسی اثر آن در بروز رفتارهای ناسازگار پرداخته، افزوده شده است.

بل و چاپمن^۱ (۱۹۸۶) در رویکردی دوسوگرایانه^۲ به تعیین اثر تعاملات والدین - کودک بر فرآیند اجتماعی شدن کودک می‌پردازند. این رویکرد محیط خانوادگی را یک سیستم اجتماعی می‌داند که دارای اصول و قواعد خاص خود می‌باشد. این اصول توسط والدین تنظیم شده و هر یک از اعضای خانواده ملزم به رعایت آن می‌باشد. در چنین سیستمی اگر کودک فراتر از حد کنترل (نادیده گرفتن اصول) رفتار کند، والدین برای کاهش رفتار نامناسب وی عکس‌العمل نشان می‌دهند. به این ترتیب کودک می‌تواند به تنظیم رفتار خود بپردازد. اما اگر رفتارهای والدین ناهماهنگ باشد (عدم ثبات در اصول و قوانین) کودک قادر به تنظیم رفتار خود نخواهد شد. بنابراین در این رویکرد است که نحوه تعاملات والدین - کودک بر اساس سیستم کنترل قابل بررسی است. داج^۳ (۱۹۹۰) با چنین رویکردی به بررسی تحقیقات انجام شده درباره کودکان پرخاشگر پرداخته و نتیجه می‌گیرد که این کودکان در یک چرخه قهری^۴ قرار دارند. رفتار پرخاشگر کودک به بروز برخی عکس‌العملهای والدین می‌انجامد و این امر به نوبه خود رفتارهای ضداجتماعی دیگری را نزد کودک برمی‌انگیزد. در این چرخه قهری رفتارهای تربیتی والدین بدون ثبات و غیرقابل پیش‌بینی بوده و بنابراین نمی‌تواند به خود-تنظیمی رفتار کودک کمک نماید. علاوه بر این، ترسیم نیمرخ رفتاری والدین در این چرخه غیرممکن است. ترامبلی^۵ در یک مطالعه طولی باهدف شناسایی ویژگی‌های رفتاری

1. Bell & Chapman

2. Bi-directional

3. Dodge

4. Coercive

5. Tremblay

نیمرخ رفتاری والدین...

والدین پسران پرخاشگر و ثبات رفتارهای پرخاشگری در طول زمان، نشان داد که مادران پسران پرخاشگر در مقایسه با مادران دارای پسران مضطرب، اقتدار بیشتری داشته، کنترل بیشتری را بر فرزند اعمال کرده و بسیار تنبیه گر هستند. پسران پرخاشگری که چنین رابطه‌ای را با مادر خود در مقطع ابتدایی داشته‌اند، در دوران نوجوانی نیز دارای رفتارهای پرخاشگری هستند. این نتایج با نتایج تحقیقات بومریند^۱ (۱۹۹۱) و پترسون^۲ و همکاران (۱۹۸۴) هماهنگ بوده و حاکی از ثبات نسبی رفتار تربیتی والدین پسران پرخاشگر به رغم تمایل والدین به تغییر رفتار خود با توجه به سن کودک می‌باشد. اما باید گفت نتایج تحقیقات در مورد نحوه تعاملات والد-کودک پرخاشگر هماهنگ نبوده و توافقی در مورد ثبات و یا عدم ثبات رفتار والدین در طول زمان مشاهده نمی‌شود.

اکثر مطالعات مربوط به تعاملات والدین - کودک پرخاشگر، محدود به رابطه مادر-کودک بوده و اثر رفتار پدر کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بنا بر بررسی‌های فارز و کامپس^۳ (۱۹۹۲) تا سال ۱۹۹۱ تنها ۲۶٪ پژوهش‌ها به مطالعه اثر تعامل پدر و مادر بر رفتار کودک اختصاص داده شده است. در این مورد برخی معتقدند که رابطه پدر-کودک کاملاً متفاوت از رابطه مادر - کودک است؛ در حالی که عده‌ای دیگر هیچ تفاوت معناداری را بین رفتار پدر و مادر نسبت به پسر پرخاشگر خود نیافته‌اند. در زمینه مقایسه ویژگی‌های رفتاری پدر و مادر با کودک پرخاشگر بومریند و همکاران^۴ (۱۹۹۲) نشان دادند که مادران در مقایسه با پدران بیشتر هدایتگر بوده، با اقتدار بیشتری عمل کرده و دارای سطح انتظار بالاتری می‌باشند. پدران در مقایسه با مادران آزارنده‌تر هستند. در تحقیق ترامبلی و همکاران، پدران در مقایسه با مادران، با پسر پرخاشگر خود مهربان‌تر بوده، نگرش مثبتی به وی داشته و دارای تحکم کمتری هستند؛ اما این تفاوت معنادار نمی‌باشد.

با توجه به کمبود اطلاعات در مورد ویژگی‌های رفتاری والدین (پدر-مادر) کودکان پرخاشگر از یک سو و عدم هماهنگی یافته‌ها در مورد نحوه تعاملات والد-کودک

1. Boumrind

2. Petterson

3. Phares & Compas

4. Buhrmester

پرخاشگر و ثبات آن در طول زمان، لزوم انجام یک تحقیق طولی با هدف‌های زیر ضروری بود: الف) شناسایی ویژگی‌های رفتاری والدین پسران پرخاشگر؛ ب) تعیین نحوه تعامل والد- کودک پرخاشگر در طول زمان؛ ج) مقایسه نحوه تعامل پدر- کودک پرخاشگر با مادر- کودک پرخاشگر.

روش شناسی

روش تحقیق حاضر از نوع تحولی- طولی است. جمع‌آوری داده‌ها در سه نوبت به فاصله هر ۲ سال انجام گرفته است. تحقیق در سال ۱۹۸۶، زمانی که آزمودنی‌ها ۸ ساله بودند، آغاز و در سال ۱۹۹۰ به اتمام رسیده است؛ به عبارتی، پژوهش به نوبت در سال‌های ۱۹۸۶، ۱۹۸۸، و ۱۹۹۰ انجام گرفت.

آزمودنی‌ها

تعداد ۵۱ پسر پرخاشگر به همراه والدین خود (۲۵ پسر با هر دو والد و ۲۶ پسر فقط با مادر تک والد) از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ در این پژوهش شرکت کردند. پسران بخشی از نمونه‌ای هستند که از سال ۱۹۸۴ (در ۶ سالگی) در پژوهش طولی گروه تحقیق کودک و نوجوان دانشگاه مونترآل که با هدف بررسی رفتار اجتماعی کودکان طراحی شده بود شرکت داشتند. در آن سال از فریبان دوره آمادگی ۵۳ مرکز پیش‌دبستانی خواسته شد تا رفتارهای اجتماعی پسران کلاس خود را با پرسشنامه رفتار اجتماعی^۱ مورد ارزیابی قرار دهند. از این طریق پسران پرخاشگر، مضطرب، بی‌توجه و دارای رفتارهای اجتماع‌گرایانه^۲ شناسایی شدند. برای تحقیق حاضر ۵۱ پسر که در ۶ سالگی (دوره آمادگی) به عنوان پرخاشگر شناسایی شده بودند، شرکت داشتند. آزمودنی‌ها از طبقه اجتماعی- اقتصادی پایین، فرانسوی زبان و سفیدپوست بودند.

ابزار

جهت بررسی و ارزیابی نحوه تعاملات والد- کودک پرخاشگر از روش مشاهده استفاده شد. مشاهده بر تعاملات والد- کودک به هنگام حل مسئله صورت گرفت. بدین

نیمرخ رفتاری والدین...

منظور از والدین خواسته شده بود تا به همراه پسر خود برای فراگیری یک برنامه آموزشی با رایانه و آموزش آن به فرزند خود در آزمایشگاه دانشگاه مونترآل حضور یابند. پس از حضور خانواده در آزمایشگاه، والدین و کودک به طور جداگانه تحت آموزش با رایانه به مدت ۳۰ دقیقه قرار گرفتند. در مرحله بعد کودک به همراه یکی از والدین خود (پدر یا مادر در خانواده با دو والد، مادر در خانواده تک‌والد) به حل دو مسئله (آسان - دشوار) با رایانه پرداخت. برای حل هر مسئله ده دقیقه زمان اختصاص داده شده بود. اگر در جریان حل مسئله، کودک با مشکلی روبه‌رو می‌شد، والد می‌توانست به وی کمک کند. در خانواده‌هایی با دو والد، بعد از یک فاصله ۴۵ دقیقه‌ای، همان رویه با شرکت کودک و والد دیگر انجام می‌شد. تعاملات والد-کودک توسط دو دوربین به طور همزمان ضبط می‌گردید. یکی از دوربین‌ها در مقابل آزمودنی‌ها، در پشت آینه دو طرفه، و دیگری در پشت آزمودنی‌ها قرار داشت. فرایند مشاهده در هر سه زمان (۱۹۸۶، ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) یکسان بوده ولی تکالیف آموزشی باتوجه به سن آزمودنی‌ها تغییر یافته بود.

نحوه ارزیابی تعاملات والد - کودک

برای ارزیابی نحوه تعاملات والد-کودک از دو سیستم کدگذاری استفاده شده است:

۱. مقیاس درجه‌بندی الگوی تربیتی والدین (P.P.R)^۱

۲. کد فرایندخانوادگی (F.P.C)^۲

۱. مقیاس درجه‌بندی الگوی تربیتی والدین (P.P.R)

این مقیاس درجه‌بندی به وسیله سانتراک و وارشاک^۳ (۱۹۷۹) به منظور ارزیابی الگوهای تربیتی والدین ساخته شده است. براساس این مقیاس، رفتار تربیتی والدین را می‌توان براساس اعمال کنترل بر کودک، اقتدار والدین، توجه نسبت به کودک و نگرش نسبت به استقلال و خودمختاری کودک ارزیابی کرد. علاوه برآن، توسط P.P.R رفتار

1. Parenting Pattern Ratings

2. Family Process Code

3. Santrock & Warshak

کودک نسبت به والدین نیز در سه مقوله «توقع و انتظار از والد، همنوایی^۱ و مشارکت با والد و استقلال کودک (خلاق، فعال و مثبت بودن)» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر، رفتار والد نسبت به کودک و عکس‌العمل کودک به والد در جریان حل مسایل آسان و دشوار مورد مشاهده و در پایان هر مرحله براساس مقیاس P.P.R مورد ارزیابی قرار گرفت. افزون بر آن، باتوجه به رفتارهای والدین چهار الگوی تربیتی که بوسیله مک‌کوبی و مارتین^۲ (۱۹۸۳) ارائه شده است مورد شناسایی قرار گرفت: الف) سهل‌گیر؛ ب) طردکننده؛ ح) قاطع و اطمینان‌بخش؛ د) مستبد. والدین سهل‌گیر کنترل بر رفتار کودک خود ندارند، طردکنندگان نسبت به کودک بی‌اعتنا بوده و خود را درگیر زندگی وی نمی‌کنند، والدین قاطع و اطمینان‌بخش با حفظ کنترل بر رفتار کودک، زمینه استقلال وی را فراهم می‌آورند و والدین مستبد کنترل شدید و مداوم بر کودک و آنچه انجام می‌دهد، دارند. این سیستم در هر سه زمان مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. ضریب قابلیت اعتماد برای این مقیاس ۰/۸۳ می‌باشد.

۲. کد فرآیند خانوادگی «(F.P.C)»

این سیستم توسط دیشون^۳ (۱۹۸۴) به منظور بررسی تعاملات والد-کودک پرخاشگر ساخته شده است. براساس این سیستم تعاملات والد-کودک به مدت ۱۵ ثانیه مشاهده و پس از آن مشاهده‌گر رفتار غالب هر فرد (پدر - مادر و کودک) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این سیستم، رفتارهای مشاهده شده در ۵ مقوله رفتاری قرار دارد:

۱. آزارنده^۴ (حمله کلامی، انتقاد، عدم تایید و نادیده گرفتن)

۲. مثبت (تایید، همکاری، تبادل کلامی مثبت)

1.Conformity

2.Maccoby & Martin

3.Dishon

4.Aversive

۳. بی طرف و خنثی^۱ (ارائه اطلاعات در صورت درخواست، درگیر نشدن)

۴. مشوق (سؤال کردن، پیشنهاد و توصیه دادن)

۵. هدایتگر (رهبری کردن، دستور دادن)

براساس این سیستم رفتارهای کودک پرخاشگر را نیز می توان براساس ۵ مقوله رفتاری مورد ارزیابی قرار داد:

الف. آزارنده (حمله کلامی، نادیده گرفتن)؛ ب. مثبت (توافق، تایید، همکاری)؛ ج. خنثی، بی طرف (تبادل اطلاعات)؛ د. علاقه وانگیزه (تاکید و تمرکز بر تکلیف، هشیاری بودن، فعال بودن) ه. درگیر نبودن (توجه به جای دیگر، بازی با وسیله دیگر و جابه جا شدن). در پژوهش حاضر رفتار خانواده (والدین و کودک) در هنگام حل مسایل آسان و دشوار، مشاهده و سپس رفتار غالب هریک از شرکت کنندگان در واحد زمانی ۱۵ ثانیه توسط دو مشاهده گر مشخص گردید. ضریب توافق میان مشاهده گران ۰/۸۰ بوده است.

روش آماری

برای توصیف نحوه تعامل والد - کودک و مقایسه تغییرات آن در سه زمان ۱، ۲ و ۳ از تحلیل واریانس چندمتغیری (۲×۳×۲) استفاده شد.

در مرحله اول تعاملات ۲۵ والد - کودک (خانواده با دو والد) که براساس دو سیستم FPC و PPR کدگذاری شده بود، ارزیابی گردید. با تحلیل واریانس چندمتغیری رفتار پدر و رفتار مادر نسبت به پسر خود از یک طرف و رفتار پسر در مقابل والد از طرف دیگر مقایسه شد. در مرحله دوم تعاملات ۲۶ مادر - پسر (خانواده تک والد) ارزیابی شده و پس از آن ویژگی های رفتاری مادران در دو گروه مقایسه گردید. در مرحله سوم تحلیل واریانس چندمتغیری برای مجموعه نمونه مادر - پسر (۵۱ نفر) مورد استفاده قرار گرفت. ثبات (پیش بینی و تحول) رفتار والد - کودک نیز در طول زمانی توسط ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد.

یافته‌ها

۱. مقایسه ویژگی‌های تعاملات پدر- پسر پرخاشگر و مادر- پسر پرخاشگر (خانواده بادو والد).

الف. مقایسه تعاملات براساس P.P.R

والدین: برای ارزیابی و مقایسه رفتارهای تربیتی پدر و مادر، تحلیل واریانس چندمتغیری انجام شد. براساس نتایج، هیچ تفاوتی در الگوی تربیتی پدر و مادر وجود ندارد. هر دو والد به طور کلی سخت‌گیر بوده، بر رفتار پسر خود کنترل داشته و نسبت به فعالیت‌های وی توجه کافی دارند. نتایج حاکی است که پدران در مقایسه با مادران نسبت به پسر خود توجه بیشتری دارند اما این تفاوت معنادار نمی‌باشد ($X = 4/9 > X = 6/68$). در مقایسه با زمان t_1 هر دو والد در t_3 توجه بیشتری نسبت به فعالیت پسر خود داشته ($P < 0/05$) و هر دو قاطع‌تر شده‌اند ($F(1, 24) = 11/05$ و $F(1, 24) = 7/71$).

پسران: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان می‌دهد که پسران رفتار تقریباً مشابهی نسبت به هر دو والد دارند. پسران به طور کلی با والدین همکاری داشته و دارای سطح انتظار و توقع پایینی هستند. در رفتارهای آنان هم‌گرایش به استقلال (فعال و خلاق بودن) و هم تأثیرپذیری (دنباله‌روی) دیده می‌شود. این الگوی رفتاری به همراه زمان و باتوجه به نوع مسئله (آسان - دشوار) تغییر می‌کند. در مقایسه با زمان t_1 ، پسران به طور کلی در زمان t_2 ($F(1, 24) = 36/8$) و t_3 ($F(1, 24) = 58/05$) $P < 0/05$ مستقل‌تر عمل می‌کنند. میزان همکاری و مشارکت با والدین نیز در طول زمان تغییر می‌کند. در مقایسه با زمان t_1 ، میزان همکاری با والدین (پدر - مادر) در زمان t_2 و t_3 افزایش می‌یابد و در مقایسه با زمان t_1 در زمان t_2 و t_3 ، میزان همکاری در هنگام حل مسئله دشوار بیشتر می‌شود ($F(1, 24) = 32/9$) $P < 0/05$.

ب: مقایسه تعاملات والدین - کودک براساس F.P.C

والدین: تحلیل واریانس چندمتغیری برای ارزیابی رفتارهای والدین براساس کدگذاری فرایند خانوادگی هیچگونه تفاوت معناداری را بین رفتار پدر و مادر در مقوله‌های هدایتگر، آزارنده، مثبت، خنثی (بی طرف) و مشوق در سه زمان نشان نمی‌دهد.

نیمرخ رفتاری والدین...

به طور کلی والدین (پدر- مادر) هر دو هدایتگر هستند. براساس نتایج، مادران در مقایسه با پدران، بیشتر در هنگام حل مسئله آسان رفتار هدایتگر دارند؛ در حالی که برای پدران در زمان حل مسئله دشوار بیشتر رفتار رهبری و هدایت دیده می شود ($P < 0/05$) $F(1, 24) = 6/66$ و فراوانی رفتار هدایتگر همراه زمان به طور معناداری افزایش می یابد. فراوانی رفتار مثبت در هر دو والد پایین بوده ولی در فاصله زمانی t_1 به t_2 این رفتار به طور معناداری افزایش می یابد ($P < 0/05$) $F(2, 23) = 63/9$ و فراوانی رفتار مشوق و آزرنده پایین بوده و به شکل معناداری با زمان کاهش می یابد.

پسران: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان می دهد که پسران رفتار نسبتاً مشابهی نسبت به هر دو والد دارند. براساس نتایج، فراوانی رفتار بی تفاوت (تبادل اطلاعات) و علاقه - انگیزه بیشتر از رفتار مثبت، آزرنده و درگیر نبودن است. نتایج، افزایش معنادار رفتار علاقه - انگیزه را در طول زمان نشان می دهد ($P < 0/05$) $F(2, 23) = 58/09$. در پژوهش حاضر علاقه و انگیزه معرف توجه بر تکلیف و فعال بوده است و این رفتار در هنگام حل مسئله آسان در مقایسه با زمان حل مسئله دشوار بیشتر مشاهده می شود.

ج. ثبات رفتارها

والدین: براساس نتایج؛ رفتار مثبت، بی تفاوت، هدایتگر و مشوق والدین به هنگام مسئله آسان و الگوی رفتاری پذیرنده از زمان t_1 به t_2 قابل پیش بینی است. ثبات رفتار هدایتگر مادر به هنگام حل مسئله دشوار در فاصله t_1 به t_2 مشهود است و رفتار مثبت پدر (فراوانی پایین) در هنگام حل مسئله آسان از t_1 به t_2 قابل پیش بینی می باشد.

پسران: رفتارهای پسران در مقابل پدر در هنگام حل مسئله آسان از t_1 به t_2 قابل پیش بینی است، ولی هیچ نوع ثباتی از زمان t_2 به t_3 مشاهده نمی شود. رفتار همکاری و مشارکت پسران با مادر در هنگام حل مسئله آسان از t_1 به t_2 قابل پیش بینی است.

۲. ویژگی های تعاملات مادر- پسر پرخاشگر (خانواده تک والد)

الف. مقایسه تعاملات براساس P.P.R

مادران: براساس نتایج به دست آمده؛ مادران سخت گیر بر رفتار پسر خود کنترل داشته و نسبت به وی توجه کافی دارند.

پسران: نتایج نشان می دهد که پسران به طور کلی مستقل (فعال و خلاق) و کم توقع بوده و

دارای روحیه مشارکت و همکاری با مادر هستند. براساس نتایج، سطح انتظار از مادر در طول زمان تغییر می‌کند. پسران در مقایسه با مسئله آسان، در هنگام حل مسئله دشوار انتظار بیشتری از مادر دارند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان می‌دهد که همکاری و مشارکت با مادر نیز در طول زمان تغییر می‌کند. پسران در مقایسه زمان ۱ به ۲ در ۲ به ۳ همکاری بیشتری از خود نشان می‌دهند. براساس نتایج، پسران به‌طور کلی و به ویژه هنگام حل مسئله آسان دارای استقلال عمل (فعال و خلاق) بوده و فراوانی این نوع رفتار به صورت معناداری با زمان افزایش می‌یابد.

ب. مقایسه تعاملات براساس "F.P.C"

مادران: طبق نتایج، رفتار غالب در مادران رفتار هدایتگر است که در طول زمان نیز افزایش می‌یابد ($F(2,24) = 13/49 P < 0/05$). نتایج حاکی است که مادران هنگام حل مسئله دشوار بیشتر از هنگام حل مسئله آسان رفتار هدایتگر دارند. فراوانی رفتار خنثی (بی طرف) (تبادل اطلاعات) مادران از زمان ۱ به ۳ افزایش یافته و به ویژه به هنگام حل مسئله آسان بیشتر دیده می‌شود. فراوانی رفتار آزارنده و مشوق پایین است. فراوانی رفتار مثبت پایین بوده و به‌طور کلی مادران در هنگام حل مسئله آسان رفتار مثبت بیشتری دارند ($F(1,25) = 16/22 P < 0/05$).

پسران: طبق نتایج، رفتار بی تفاوت (تبادل اطلاعات) و علاقه - انگیزه، رفتارهای غالب در میان پسران است. فراوانی رفتار بی تفاوت تقریباً بالا بوده و در فاصله ۱ به ۳ به‌طور معناداری افزایش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که علاقه و انگیزه پسران برای هر دو نوع مسئله (آسان و دشوار) به‌طور منظم و معنادار از زمان ۱ به ۲ و از ۲ به ۳ افزایش یافته است. فراوانی رفتار درگیر نبودن، مثبت و آزارنده پایین می‌باشد.

ج. ثبات رفتارها

مادر: رفتار هدایتگر مادر در هنگام حل مسئله آسان از زمان ۱ به ۲ قابل پیش‌بینی بوده؛ اما این رفتار از زمان ۲ به ۳ ثبات خود را از دست می‌دهد.

پسران: رفتار آزارنده پسران در هنگام حل مسئله آسان از زمان ۱ به ۳ قابل پیش‌بینی است. رفتار بی تفاوت در هنگام حل مسئله آسان از ۲ به ۳ قابل پیش‌بینی است. استقلال رفتاری پسران در هنگام حل مسئله آسان و دشوار در طول زمان از ۱ به ۳ قابل پیش‌بینی

است.

مقایسه رفتار تربیتی مادران در خانواده‌های تک‌والد و دووالد تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. مادران در هر دو گروه رفتار نسبتاً مشابهی با پسر پرخاشگر خود دارند. براساس نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری، رفتار پسران در مقابل مادران خود در هر دو گروه مشابه است. با توجه به اینکه تفاوت معناداری بین رفتار پدر و مادر در خانواده دو والد و رفتار مادران در دو گروه مشاهده نشد؛ بنابراین مجموعه تحلیل‌های انجام شده برای نمونه ۵۱ مادر و ۵۱ پسر انجام گرفت. با افزایش تعداد نمونه، نتایج دارای اعتبار بیشتری خواهد بود. در سطور زیر نتایج تحلیل‌های آماری در مورد تعاملات مادر - پسر تحت عنوان والد - پسر ارائه می‌شود.

۳. ویژگی‌های تعاملات والد - پسر پرخاشگر

الف. مقایسه تعاملات براساس P.P.R

والد: به‌طور کلی والدین نسبت به پسر خود سخت‌گیر هستند. این سخت‌گیری در طول زمان ثابت است ($F(2,49) = 3/04 P < 0/05$). والدین به پسر خود توجه کافی داشته و این توجه به شکل معناداری افزایش می‌یابد. پسران به‌طور کلی دارای استقلال رفتاری هستند. این نوع رفتار در طول زمان افزایش یافته و در مورد حل مسئله آسان بیشتر از مسئله دشوار دیده می‌شود. پسران به هنگام حل مسئله آسان، دارای همکاری و مشارکت بیشتری با والد خود در مقایسه با زمان حل مسئله دشوار هستند. ($F(1,50) = 31/35$).

پسران: به‌طور کلی پسران در تعامل با والدین کم توقع بوده، روحیه همکاری و مشارکت داشته و به‌طور فعال (مستقل) عمل می‌کنند. بنابر نتایج، پسران دارای سطح انتظار کمتری از والدین در هنگام حل مسئله آسان در مقایسه با مسئله دشوار هستند. فراوانی این نوع رفتار در طول زمان به‌صورت معناداری افزایش می‌یابد. پسران به‌طور کلی دارای استقلال رفتاری هستند. این نوع رفتار در طول زمان افزایش یافته و در مورد حل مسئله آسان بیشتر از مسئله دشوار دیده می‌شود. پسران به هنگام حل مسئله آسان دارای همکاری و مشارکت بیشتری با والد خود در مقایسه با زمان حل مسایل دشوار هستند. ($F(1,50) = 34/35 P < 0/05$).

ب. مقایسه تعاملات براساس F.P.C

والد: تحلیل واریانس چندمتغیری نشان می‌دهد که رفتار هدایتگر، رفتار غالب در والدین است. والدین در هنگام حل مسئله دشوار در مقایسه با زمان حل مسئله آسان رفتار هدایتگر بیشتری را نشان می‌دهند ($F(1,50) = 39/54 P < 0/05$). براساس نتایج، فراوانی این رفتار به طور معناداری در طول زمان افزایش یافته ($F(2,49) = 25/13 P < 0/05$) و خصوصاً این افزایش برای حل مسئله دشوار از زمان t_1 به t_3 قابل مشاهده است. نتایج نشان می‌دهد که فراوانی رفتار خنثی (تبادل اطلاعات) در زمان t_3 بیشتر از زمان t_1 و t_2 می‌باشد. این رفتار در هنگام حل مسئله آسان بیشتر از هنگام حل مسئله دشوار دیده می‌شود. براساس نتایج، فراوانی رفتار مثبت والدین در هنگام حل مسئله آسان بیشتر از زمان حل مسئله دشوار است. فراوانی رفتارهای آزرنده و مشوق بسیار پایین می‌باشد.

پسران: براساس نتایج، فراوانی رفتار آزرنده پایین است. پسران به هنگام حل مسئله دشوار رفتار آزرنده بیشتری در مقایسه با حل مسئله آسان دارند ($F(1,50) = 11/12 P < 0/05$). فراوانی رفتار درگیر نشدن پایین است. فراوانی رفتار مثبت از زمان t_1 به t_3 افزایش یافته ($F(2,49) = 10/17 P < 0/05$) و به ویژه هنگام حل مسئله آسان بیشتر مشاهده می‌شود. به طور کلی فراوانی رفتار خنثی (تبادل اطلاعات) بالا بوده و با زمان افزایش نشان می‌دهد ($F(2/49) = 25/02 P < 0/05$). نتایج نشان می‌دهد که رفتار علاقه و انگیزه در طول زمان افزایش معناداری داشته و برای حل مسئله آسان بیشتر از حل مسئله دشوار بوده است.

ج. ثبات رفتارها

والد: ثبات رفتار مثبت، خنثی و هدایتگر والدین در هنگام حل مسئله ساده از زمان t_1 به t_2 دیده می‌شود. این یافته برای رفتار مثبت و هدایتگر در جریان حل مسئله دشوار نیز صادق است. سایر رفتار والدین را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. الگوی رفتاری سخت‌گیر از زمان t_1 به t_2 و t_1 به t_3 قابل پیش‌بینی می‌باشد.

پسر: رفتارهای خنثی، علاقه و انگیزه و درگیر نبودن از زمان t_1 به t_3 قابل پیش‌بینی است. در هنگام حل مسئله آسان و دشوار، رفتارهای بی‌تفاوت و علاقه و انگیزه از زمان t_1 به t_3

ثابت است. الگوی رفتار مستقل (خلاق و فعال) و همکاری و مشارکت برای حل مسئله آسان در طول زمان قابل پیش‌بینی است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل واریانس چندمتغیری برای مقیاس ارزیابی تعاملات والدین - کودک (PPR) نشان می‌دهد که والدین به‌طور کلی در تعامل با پسر خود سخت‌گیر بوده و بر رفتار کودک کنترل دارند. این نتیجه با نتایج حاصل از تحقیقات فارینگتون^۱ (۱۹۹۱) و ارون، هیوزمان و زلی^۲ (۱۹۹۱) همخوانی داشته و نشان می‌دهد که والدین دارای پسر پرخاشگر بر رفتار فرزند خود کنترل دارند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که والدین طردکننده نبوده و دارای توجه کافی نسبت به پسر خود هستند. این نتیجه توسط تحقیقات قبلی تایید نمی‌شود. زیرا بنا بر نتایج، تحقیقات لویرو استاتمر^۳ (۱۹۸۶) و فارز و کامپس (۱۹۹۲) والدین پسران پرخاشگر طردکننده‌تر از سایر والدین هستند. با توجه به شرایط این پژوهش، می‌توان گفت که توجه والدین به پسر خود مرتبط با درگیر شدن فعال آنان در حل مسئله مشترکی است که با وی دارند. این یافته‌ها در راستای ایده مک‌کویی و مارتین (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که توجه نسبت به کودک برای داشتن کنترل بر رفتار و هدایت رفتار وی ضروری است. از این رو، این نتیجه می‌تواند دارای کاربرد عملی باشد: در تکالیفی که برای والدین و کودک جالب است می‌توان روابط والدین - کودک را به سوی مثبت‌تر شدن و داشتن همکاری هدایت کرد.

نتایج نشان داد که الگوی تربیتی سخت‌گیر والدین در طول زمان (از t_1 تا t_3) قابل پیش‌بینی است. این یافته بر این نکته تاکید دارد که والدین در طول زمان، سخت‌گیر باقی می‌مانند. این ثبات برای الگوی پذیرنده نیز در سه زمان قابل رؤیت است. به عبارت دیگر، این دو الگوی رفتاری در طول زمان به همراه سن کودک افزایش معناداری داشته است. این یافته با نتایج حاصله از تحقیق بومریند (۱۹۹۱)، برادی^۴ (۱۹۹۲) و پترسون و همکاران (۱۹۹۲) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که رفتار تربیتی والدین در طول زمان تا

1. Farington

2. Eron, Husemann & Zelli

3. Loeber & Stouthmer

4. Brody

• حدودی قابل پیش‌بینی می‌باشد. تحلیل واریانس چندمتغیری برای رفتار پسران نشان می‌دهد که پسران به‌طور نسبی مستقل (خلاق و فعال) بوده و دارای رفتار همکاری و مشارکت هستند. در پژوهش حاضر استقلال به معنای درگیر شدن فعال و خلاق در تکلیف و رفتار همکاری به معنای همنوایی اجتماعی در نظر گرفته شده است. با توجه به نتایج حاصله در مورد ویژگی‌های رفتار تربیتی والدین می‌توان گفت: هرچه والدین در زندگی کودک خود فعالیت شرکت داشته و به رفتار وی توجه داشته باشند، پسران فعالیت در مسئله درگیر شده و همکاری بیشتری از خود نشان می‌دهند. به علاوه، شاید بتوان گفت که اعمال کنترل والدین بر شرایط حل مسئله، کودک را به تمرکز و توجه بیشتر بر تکلیف هدایت می‌کند. از این رو، این نتایج در راستای ایده بل و چاپمن (۱۹۸۶) بوده و وجود تقابل بین رفتار والد-کودک را نشان می‌دهد. نتایج نشان داد که استقلال و همکاری و مشارکت با والدین بین زمان t_1 و t_3 قابل پیش‌بینی است. شاید بتوان گفت که اعمال کنترل بر رفتار و داشتن توجه به کودک از سوی والدین، نشانگرهای خوبی برای پیش‌بینی رفتار همکاری و مشارکت و استقلال در پسران است.

تحلیل واریانس چندمتغیری، تفاوت معناداری را بین رفتار تربیتی پدر و مادر نشان نمی‌دهد: پدر و مادر هر دو سخت‌گیر، پذیرنده و دارای کنترل بر رفتار کودک هستند. این یافته هماهنگ با نتایج تحقیق مک‌دونالد^۱ و همکاران (۱۹۸۸) و ترامبلی و همکاران (۱۹۹۱) بوده و نشان می‌دهد که رفتار تربیتی پدران و مادران دارای پسر پرخاشگر مشابه می‌باشد. این تشابه رفتار پدر و مادر با کودک در راستای رفتار نسبتاً مشابه پسران در تعامل با دو والد است. طبق نتایج، پسران مستقل (فعال و خلاق) بوده و دارای رفتار همکاری و مشارکت و سطح انتظار پایین در ارتباط با پدر و مادر خود هستند. این نتایج با نتایج حاصله توسط فاکس و همکاران^۲ (۱۹۹۱) همخوانی داشته و تأیید می‌کند، زمانی که هر دو والد رفتار تربیتی مشابه و هماهنگی داشته باشند، فرزندان نیز رفتارهای مشابهی را در تعامل آنان ارائه می‌دهند.

ارزیابی تعاملات والدین - کودک بر اساس سیستم کدگذاری فرایند خانوادگی

1. Mac Donald

2. Fox

نیمرخ رفتاری والدین...

(FPC) نشان می‌دهد که والدین به‌طور کلی در مقابل پسر پرخاشگر خود، دارای رفتار هدایتگر هستند. این یافته هماهنگ با تحقیق بومستر و همکاران (۱۹۹۲) بوده و نشان می‌دهد که والدین دارای پسر پرخاشگر هدایتگرتر از سایر والدین هستند. این یافته با نتایج حاصل از سیستم PPR نیز هماهنگ است. زیرا می‌توان گفت که والدین هدایتگر، والدینی هستند که بر رفتار کودک کنترل داشته و رفتار وی را هدایت می‌کنند. این نتایج نشان می‌دهد که والدین در طول زمان، بیشتر رفتار هدایتگر از خود نشان می‌دهند ($F(۲,۴۹) = ۲۵/۱۳$, $P < ۰/۰۵$). این هدایت در سخت‌گیری و کنترلی است که بر کودک اعمال می‌شود. با توجه به شرایط آزمایشی این پژوهش، مشخص شد که رفتار هدایتگر والدین بنابر شرایط تغییر می‌کند، زیرا والدین در شرایط حل مسئله دشوار در مقایسه با شرایط حل مسئله آسان بیشتر هدایتگر و کمتر بی‌تفاوت هستند. بنابراین، شاید بتوان گفت که رفتارهای والدین نه فقط به‌وسیله سن و رفتار کودک بلکه توسط بافت و شرایطی که در آن قرار دارند تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در شرایط حل مسئله دشوار، والدین برای داشتن کنترل بر رفتار کودک و هدایت وی به سمت درگیر شدن در تکلیف بیشتر هدایتگر شده و به انتقال اطلاعات می‌پردازند. همین امر رفتار کودک را تحت تأثیر قرار داده و او نیز به مسئله توجه نشان داده و به تبادل اطلاعات اقدام می‌کند. بنابراین می‌توان وجود تقابل در رابطه والد - کودک را تایید نمود.

ویژگی‌های رفتاری به‌دست آمده توسط سیستم "FPC" در طول زمان کمتر قابل پیش‌بینی است. در نزد پسران مشاهده می‌شود که همراه سن، رفتارهای بی‌تفاوت، علاقه - انگیزه و بی‌احساس قابل پیش‌بینی است. شاید علت این امر آن باشد که در این سیستم تعاملات در مدت ۱۵ ثانیه مشاهده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بنابراین تحت تأثیر شرایط، رفتار بسیار، متغیر خواهد بود.

به‌طور کلی، پژوهش حاضر نشان داد که رفتار تربیتی والدین پسران پرخاشگر نسبتاً ثابت و در طول زمان قابل پیش‌بینی است. والدین سخت‌گیر، پذیرنده و دارای کنترل کامل بر رفتار کودک هستند. نتایج تفاوت معناداری را بین نحوه تعاملات پدر - پسر و مادر - پسر نشان نمی‌دهند؛ اما برخی تفاوتها در طول زمان قابل رؤیت است.

این تحقیق دارای محدودیتهای زیر بود:

۱. نمونه کوچک بوده ($N=51$) و بنابراین بهتر است از نمونه بزرگتری استفاده کرد.
۲. مشاهده تعاملات والدین - کودک در شرایط آزمایشی تحت کنترل صورت پذیرفته است؛ پیشنهاد می شود که تعاملات والد - کودک در شرایط طبیعی مورد بررسی قرار گیرد.
۳. پسران شرکت کننده در این مطالعه در ۶ سالگی به عنوان پرخاشگر ارزیابی شده بودند. جالب خواهد بود تا مقایسه ای بین نحوه تعاملات والدین - کودک پرخاشگر با والدین - کودک محبوب صورت گیرد.

- Baumrind, D.(1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence,11, 56 - 95*.
- Bell, R.Q. and Chapman, M.(1986). Child effects in studies using experimental or Brief longitudinal approaches to socialization.*Developmental psychology, 22, 595 - 603*.
- Brody,G.H., Stoneman,Z., McCoy,J.K.(1992). Associations of maternal and paternal direct and differential behavior with sibling relationships: Contemporaneous and longitudinal analysis. *child Development, 63 - 82 92*.
- Buhrmester, D., Campara, L., Christensen, A., Gonzales, L.S., Hinshaw,S.(1992). Mothers and fathers interacting in dyads and triads with normal and hyperactives sons. *Developmental psychology, 28, 500 - 509*.
- Dishon,T.,Cardner,K.,Patterson,C.,Reid, J.,Spyzou, S., thibodeau,S. (1984). *The family process code: A multi dimentional system for observation family intenactions*. Eugene: oregon social learning center.
- Dodge, K.(1990). Nature versus Nurture in childhood conduct disorder: it is time to ask a different question. *Developmental Psychology, 26,698 - 701*.
- Eron,L.D., Huesmann,L.R., Zelli, A.(1991). The role of parental variables in the learning of aggression, in D.J. pepler and K.H. Rubin(Eds). *Development and Treatment of childhood aggression*.toronto: lawrence Erlbaum.
- Farrington,D.P.(1991). Childhood aggression and Adult violence: Early precursors and life outcomes. in D.J.Pepler and K.H. Rubin(Eds). *Development and treatment of child hood aggression*.Toronto: lawrence Erlbaum.
- Finnie,V. and Russell, A.(1988). Preschool children's social status and their

mothers' behavior and knowledge in the supervisory role. *Developmental psychology*, 24, 789-801.

Fox, N.a., Kimmerly, N.I., schaffer, W.D.(1991). Attachment to mother / attachment to father: A meta - analysis. *child Development*, 62, 210 - 225.

Hamdan-Allen, G., Stewart, M.A., Beeghly, J.H.(1989). Subgrouping conduct disorder by psychiatric family history. *Journal of child psychology and psychiatry*, 30, 889 - 897.

Loeber, R. and Dishon, T.(1984). Boys who fight at home and school: family conditions influencing cross - setting consistency. *Journal of counseling and clinical psychology*, 52, 759. 768.

Loeber, R. and Stouthamer - Loeber, M.(1988). Family factors as correlates and predictors of juvenile conduct problems and Delinquency, in M.Tonry, M. Morris(Eds), *crime and justice: An Annual Review of Research*. Chicago: university of chicago press.

Loeber, R. (1991). Questions and Advances in the study of developmental pathways, in D.Cicchetti, S.Toth (Eds), *Models and Integrations*. Rochester symposium on developmental psychopathology. Rochester: University of Rochester press.

Maccoby, E.E. and Mantin, J.A.(1983). Socialization in the context of the family: parent-child interaction, in P.H.Mussen(Ed), *Handbook of child psychology*, Toronto, John wiley and sons.

MacDonald, K.B., Parke, R.D., Beitel, A., Bhavnagri, N.(1988). The role of the family in the development of peer relationships, in R.Peters, R.J.McMahan(Eds). *Social learning systems: Approaches to marriage and the family*. New-York: Brunner/ Mazel.

Papert, S.(1980). *Mindstorms :children, computers and powerful idea*. New -

نیمرخ رفتاری والدین...

york: Basic books.

Petterson, G.R. and Stuothamer-loeber,M.(1984). The correlation of family managment practices and delinquency.*child Development,55,1299-1307.*

Petterson, G.R.,Reid, J.B.,Dishon,T.Y.(1992).*Antisocial Boys* Eugene/OR: Castalia.

Phares, V.and Compas, B.E.(1992).The role of fathers in child and adolescent psychopathology: Make room for daddy. *psychological Bulletin, 111, 387 - 412.*

Putallaz,M.(1987). Maternal behavior and children's sociometric status. *Child Development, 58, 324-340.*

Santrock, J.W. and Warshak, R.A.(1979). Father custody and social developmental in boys and girls. *Journal of social Issues, 35, 112 -125.*

Sobol, M.P., Ashbourne,D. T.,Earn,B.M.,Cunningham, C.E.(1989).parents'attributions for achieving compliance from attention-defc-it-disordered children. *Journal of Abnormal child psychology, 17, 359 - 369.*

Tremblay,R.E.,Loeber,R.,Cagnon,C.,chorlebois,P.,Larivee',s.,LeBlanc, M.(1991). Disruptive boys with stable and unstable high fighting behavior pattern during junior elementary school*Journal of Abnormal child psychology, 19,285-300.*

Tremblay,R.E.,Vitaro, F.,Gagnon, C.,Royer,N.(1992). A prosocial Scale for the preschool Behaviour Questionnaire: Concurrent and predictive correlates. *International Journal of Behavioral Development. 15, 227-245.*

Tremblay, R.E., Gagnon, C., Vitaro, F.,Dobkin, P.L., Banville,P., Boileau, H.(1994).*Fathers' and mothers' behavioral dimorphism with disruptive*

kindergarten boys predicts Conduct disorder at puberty.

(unpublished).

Tremblay, R.E.(1995). Kindergarten behavioral patterns, parental practices and early adolescent antisocial behavior, in J. McCord(Ed),*coercition and punishment in long term perspective*. cambridge: cambridge university press.